Archive of SID

فصلنامه علمی - پژوهشی نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان / سال دهم / شماره اول / بهار و تابستان ۱۳۹۹ / ص ۹- ۳۰

معیارهای عدالت‌اجتماعی در شهر اسلامی

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۱٤ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۱/۰٤

عبدالحسین کلانتری[۱]
حسن بخشی‌زاده[۲]

چکیده

عدالت‌اجتماعی یکی از اصول اولیهٔ دین اسلام است که باید در جامعه و شهر اسلامی پیاده و اجرا شود. بااین‌حال، شکاف فزاینده‌ای بین مفهوم نظری عدالت‌اجتماعی و واقعیت فقدان عدالت در زندگی اجتماعی در شهر وجود دارد. شهر اسلامی یک نشانگر است، نشانگر یک فرد مسلمان در بطن جامعهٔ اسلامی. شهر اسلامی واقعیتی اجتماعی است که محقق به‌دنبال تبیین آن به‌عنوان محملِ کنش انسانی و نهاد اجتماعی است. دراین‌میان، عدالت‌اجتماعی با ارزش‌ترین مفهوم و گذاره در حوزهٔ اجتماع انسانی است که اساس و دوام هر جامعه‌ای در تحقق آن است تا به توسعه و پیشرفت دست یابد ازاین‌رو، در این مقاله معیارهای عدالت‌اجتماعی بر پایهٔ شهر اسلامی برحسب روش تحلیل تماتیک مورد تحقیق قرار گرفته است. یافته‌های حاصل از منابع موجود به‌صورتی ساختمند نشان می‌دهد که معیارهای عدالت در شهر اسلامی طیف وسیعی را شامل می‌شوند که هستهٔ محوری آنها بر هویت توحیدی قرار دارد و دو معیار و بال آن نیز نظم و کالبد اسلامی در شهر اسلامی است. این معیارها در بحث نوع مسکن، راه، ادای حق مردم، نظم و قانون شهر، حاکمیت شهر، امنیت و رفاه شهری و... قابل طرح است.

واژگان کلیدی: عدالت، عدالت‌اجتماعی، شهر اسلامی، معیارها، شهر.

۱. دانشیار جامعه‌شناسی دانشکده علوم‌اجتماعی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول): abkalantari@ut.ac.ir
۲. دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تهران: hassnbakhshi@ut.ac.ir

www.SID.ir

Archive of SID

مقدمه و بیان مسئله

وقتی مسلمانان از دین بزرگی به اسم اسلام نام می‌برند، باید از یک امت اسلامی یک جامعهٔ اسلامی و یک شهر اسلامی نیز یاد کنند. تصور وجود اشخاص و اجتماع مسلمانی بدون یک شهر اسلامی، قابل تصور نیست. شهر اسلامی یعنی نماینده و نشانندهٔ یک جامعه مسلمان. شهری که وقتی در آن وارد شدید، مظاهر کالبدی و معماری اسلامی را به همراه اخلاق و آداب اسلامی در آن به‌طور ملموس، احساس کنید. با توجه به اینکه از بین نماگرای شهر اسلامی بیش از همهٔ معماری اسلامی به‌چشم می‌آید، چیزی که به معماری (یعنی هنر و دانش طراحی بناها و سایر ساختارهای کالبدی است) جان می‌دهد و آن را اسلامی می‌کند عقیدهٔ پشت سر آن معماری است. اینکه عقیدهٔ یک فرد مسلمان (آگاه و عامر به قرآن و سنت پیامبر) در خلق و بازنمایی آن دست داشته است، این یعنی معماری و شهر اسلامی.

شهر اسلامی برای نخستین‌بار، در دهه‌های آغازین قرن بیستم به‌صورت علمی، مورد مطالعه قرار گرفت و شرق‌شناسان فرانسوی، اصطلاح «شهر اسلامی» را به‌کار گرفتند و از آن زمان به بعد، تعداد زیادی از متون به نظریه‌پردازی در زمینهٔ شکل این شهرها پرداختند که بیشتر آنها به نوعی متأثر از نظریه‌های پیشین بودند. این نظریه‌ها بدنهٔ اصلی مطالعات شهرهای اسلامی را در متون غربی و بین‌المللی تشکیل می‌دهند. قدیمی‌ترین متن مورد ارجاع در این زمینه، مفاهیمی است که مارشه دربارهٔ شکل و ساختار شهر اسلامی ارائه کرد (Abu-Lughod, 1987).

احمد اشرف می‌گوید: «شهر، چه در دوران باستان و چه در دورهٔ اسلامی، پایگاه قدرت و جایگاه دستگاه اداری نظام شهپدری (پاتریمونیال[1]) بوده است. شهرستان یا شهر در کاربرد امروزی، جایگاه پادشاهی و مرکز قدرت سیاسی و حکومت بوده است» (اشرف، ۱۳۵۳).

از نظر جامعه‌شناسی، شهر فقط ساختمان نیست. بلکه مکان انسان‌ها، گروه‌ها، سازمان‌های اجتماعی، طبقات، خانواده‌ها و غیره می‌باشد (توسلی، ۱۳۷٤: ٤). چیستی و چگونگی «شهر» و «شهر اسلامی» در آموزه‌های اسلامی، محمل و منشأ مباحث گسترده و دنباله‌داری است که نیازمند تعمق و تتبع وسیع در منابع ارائه‌کنندهٔ این آموزه‌هاست. قرآن کریم ازجمله منابع اصیل و بنیادین در تشریح رویکرد اسلام به ویژگی‌های شهر مطلوب است (غنی‌زاده، ۱۳۸۵).

1. Patrimonial

www.SID.ir

Archive of SID

در این میان، یکی از مهم‌ترین مشخصه‌های شهر اسلامی وجود معیارهای عدالت‌اجتماعی در شهر است.

عدالت‌اجتماعی عبارت است از ارزشی که با فراگیرشدن آن، جامعه دارای شرایط و زمینه‌هایی می‌شود که هر صاحب حقی به حق خود می‌رسد و امور جامعه به تناسب و تعادل، در جای شایسته و بایستهٔ خویش، قرار می‌گیرد (سیدباقری، ۱۳۸۷: ۲۵). با توجه به اینکه اسلام در شهر، خود را نشان می‌دهد و با آن به نمایش درمی‌آید، لازم است که اصول آن در شهر توسط اندیشمندان و علما مورد بحث و مداقی قرار گیرد. به‌طوری‌که برخی اندیشمندان غربی، نظیر هاروی (۱۹۸۵)، از نظریهٔ حق به شهر حرف می‌زنند. درحالی‌که نظیر چنین نظریه‌هایی در قالب بحث عدالت‌اجتماعی در شهر اسلامی، به‌طور مفصل و جامع‌تر، قابل بحث و طرح است و در متون دینی و احادیث به آنها پرداخته شده است. مباحثی که معیارهای عدالت‌اجتماعی در شهر اسلامی را در قالب وجود نظم و ساختار حکومت در شهر، امنیت و رفاه، حق سکونت و راه‌ها، وجود فرهنگ مشترک و... مطرح می‌نماید. از این لحاظ، این مقاله به طرح معیارهای عدالت‌اجتماعی در شهر، به‌عنوان زمینه و محل استقرار اسلام، می‌پردازد.

هدف و سؤال پژوهش

هدف این مقاله استخراج معیارهای عدالت‌اجتماعی در شهر اسلامی با استفاده از تحلیل تماتیک و مرور منابع است. لذا سؤالات اصلی این پژوهش عبارت‌اند از:

- شهر اسلامی چیست؟
- معیارهای عدالت‌اجتماعی در شهر اسلامی کدام‌اند؟

پیشینهٔ پژوهش

در ارتباط با عدالت‌اجتماعی و شهر از دیدگاه جامعه‌شناسی شهری، مطالعات زیادی صورت نگرفته است اما از بعد جغرافیایی، کارهای زیادی صورت گرفته است که بیشتر از بعد فضایی و ناحیه‌ای به بررسی موضوع پرداخته‌اند. ازاین‌رو مزیت این تحقیق، نگاه متمرکز به بحث عدالت

www.SID.ir

Archive of SID

و شهر اسلامی و استخراج معیارها طبق دید جامعه‌شناسانه است. در اینجا به تعدادی از مطالعات اشاره می‌شود.

حاتمی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۱) در مقالهٔ «شهر و عدالت اجتماعی: تحلیلی بر نابرابری‌های محله‌ای»، می‌گویند: «از مهم‌ترین پیامدهای رشد شتابان شهرنشینی و توسعهٔ فیزیکی شهرهای کشور در دهه‌های گذشته، پاشیدگی نظام توزیع مراکز خدماتی شهری بوده که زمینه‌ساز نابرابری اجتماعی شهروندان و میزان برخورداری از کاربری‌های خدمات شهری در بافت قدیم شهر شده است». ازاین‌رو، هدف این مقاله تبیین سطوح کیفیت زندگی در بافت قدیم شهر میاندوآب با ۱۷ شاخص کیفیت زندگی و ارتباط آن با سرانهٔ کاربری‌های شهری در سطح محله‌ها بوده که از سرانهٔ ۱۵ کاربری استفاده شده است. روش کار در این مقاله، توصیفی تحلیلی است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ارتباط معناداری بین توزیع سرانهٔ کاربری‌های شهری و کیفیت زندگی وجود دارد.

جاجرمی و کلته (۱۳۸٤) در مقالهٔ «شهر و عدالت‌اجتماعی (مطالعه موردی: گنبد کاووس)» اشاره دارند که انجام مطالعات شهری با دیدگاه عدالت‌اجتماعی در سال‌های اخیر به‌عنوان یکی از رویکردهای مهم شناخته شده است. در این رویکرد، به شاخص‌های مختلفی پرداخته می‌شود که میزان دسترسی به خدمات شهری و ارزش افزودهٔ زمین ازجمله مهم‌ترین آنها می‌باشد. بررسی نواحی مختلف شهری در گنبد کاووس نشان می‌دهد که این نواحی از نظر میزان دسترسی به امکانات و خدمات شهری تفاوت زیادی دارند و قیمت زمین و درنتیجه، ارزش افزودهٔ زمین در آنها به‌طور معناداری، از شاخص‌های مورد بحث تابعیت می‌کند. خدمات ارائه شده به‌صورت ناعادلانه‌ای تقسیم می‌گردد و درنتیجه، نواحی ٦ و ۷ بیش از نواحی ۱و ۲ و ٤ از شهر گنبد به امکانات توسعه و ارزش افزوده دست یافته‌اند.

داداش‌پور و همکاران (۱۳۹٤) در مقالهٔ «تبیین چارچوب مفهومی عدالت فضایی در برنامه‌ریزی شهری با محوریت مفهوم عدالت در مکتب اسلام» می‌گویند که تسلط نظام سرمایه‌داری بر فضاهای شهری، شهرها را با چالش‌های بسیاری روبه‌رو کرده است که یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها، بی‌عدالتی فضایی و نابرابری در توزیع خدمات در شهرهاست. این

www.SID.ir

Archive of SID

چالش‌ها را در دهۀ ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی، اندیشمندان شهری نئومارکسیست همانند هنری لوفور، مانوئل کاستلز و دیوید هاروی شناسایی و مورد نقادی قرار دادند. پیشقراولان عدالت در فضاهای شهری، به دلیل وابستگی‌شان به مکاتب بشری و همچنین داشتن نگاه تک‌بعدی و ایستا نتوانستند تاکنون به یک چارچوب مفهومی از عدالت در فضاهای شهری برسند؛ این درحالی است که در آموزه‌های مکتب اسلام، مفهوم عدالت یک مفهوم پویا و چندجانبه بوده و عدل و حق لازم و ملزوم هم به‌حساب آمده‌اند و عدالت ابزار مهمی برای رساندن حق به صاحب واقعی‌اش معرفی شده است. هدف تحقیق ارائۀ چارچوب مفهومی از عدالت اسلامی در فضاهای شهری است. برای تبیین این چارچوب، از شش معیار «برابری فرصت‌ها، آزادی، نیاز، اصل تفاوت، استحقاق، منفعت عمومی» استفاده شده است که این معیارها از متون علمی و اسلامی استخراج شده‌اند.

هاروی (۱۳۸۲) در کتاب *عدالت‌اجتماعی و شهر* معتقد است که در رابطه با ماهیت عدالت‌اجتماعی سه موضوع ماهیت نظریه، ماهیت شهرنشینی و ماهیت فضا تبیین گردیده است. مطالعۀ شهرنشینی تا حدّ زیادی می‌تواند در درک و شناخت روابط اجتماعی در بنیان اقتصادی، جامعه و نیز سیاست و سایر عناصر ایدئولوژیک روساخت به‌کار آید، اما مانند هر شکل اجتماعی، شهرنشینی نیز می‌تواند اشکال متنوع بی‌شماری را در داخل یک شیوۀ تولید مسلط به خود گیرد. در زمینۀ ماهیت عدالت‌اجتماعی، از این برداشت که موضوع عدالت و اخلاق ابدی است به مشروط بودن عدالت‌اجتماعی به فرایندهای اجتماعی عمل‌کننده در جامعه دست می‌یابد و باز پاسخ دادن به این سؤال فلسفی به مطالعۀ پراتیک انسان منوط می‌شود. از دیدگاه او، مفهوم مازاد و تمرکز آن لازمۀ شهرنشینی از قدیم تا به امروز است.

بررسی متون و پیشینۀ تحقیق نشان می‌دهد که عدالت‌اجتماعی و شهر هر دو به‌صورت مجزا، مورد بررسی قرار گرفته‌اند و در مرحلۀ بعدی، سعی شده است که برخی عناصر عدالت در شهر نشان داده شود که با تحقق آنها، عدالت‌اجتماعی محقق می‌شود. اما مزیّت تحقیق حاضر در این است که عدالت‌اجتماعی و شهر اسلامی را در اشتراک هم می‌بیند و بررسی می‌کند و به این نتیجه می‌رسد که این دو مفهوم جدا از یکدیگر نیستند و معیارهای هریک به نوعی پوشش

www.SID.ir

Archive of SID

معیارهای دیگری است. لذا می‌توان گفت که عدالت‌اجتماعی در شهر اسلامی، تحقق می‌یابد و شهر اسلامی نیز با عدالت‌اجتماعی موجودیت می‌یابد.

چارچوب مفهومی

با توجه به دو مؤلفهٔ اساسی پژوهش، یعنی شهر اسلامی و عدالت‌اجتماعی، در اینجا به بیان چارچوب مفهومی مدّنظر تحقیق از این دو مفهوم پرداخته می‌شود که چارچوب مفهومی مورد استفاده در مقاله بوده است.

عدالت‌اجتماعی

عدالت‌اجتماعی از موضوعاتی است که ذهنیت بشر را از زمان شکل‌گیری زندگی اجتماعی به خود مشغول ساخته است. مفهومی که برحسب اعتقاد فلاسفهٔ اخلاق، برترین فضیلت و به باور ساست‌مداران، مهم‌ترین رکن بقای جامعه است. ازاین‌رو، اندیشمندان متفکران بسیاری در مورد آن سخن گفته و نظریه‌پردازی کرده‌اند. فلاسفه‌ای نظیر افلاطون، ارسطو و رالز در غرب، و خواجه نصیر طوسی، شهید صدر و ملاصدرا در جهان اسلام، در مورد عدالت بحث کرده‌اند.

در ادامه، به برخی از نظرات خواجه نصیر اشاره می‌شود. دیدگاه‌های خواجه دربارهٔ عدالت بر اصولی چند استوار است:

- خواجه در تحلیل واژهٔ عدالت آن را به‌معنای مساوات می‌داند (طوسی: ۱٤۱۳: ۹۵).
- عدالت از نظر خواجه نتیجهٔ اعتدالی است که میان فضایل انسانی پدید می‌آید (همان: ۱۰۰).
- عدالت عبارت است از «اعطا کل ذی حق حقّه» و «وضع کل شی فی موضعه». خواجه در همین راستا به سخن حکما که گفته‌اند «لو تساوی الناس لهلکوا جمیعا» استناد می‌کند و اختلاف میان انسان‌ها را بسان ابزار گوناگون می‌شمارد که در جهت رسیدن به هدف واحد تلاش می‌کنند (همان: ۲۰۹)

www.SID.ir

Archive of SID

- خواجه بر این باور است که دین، حکومت و اقتصاد سه ابزار بایسته برای اجرای عدالت است که بدون این سه، عدالت در میان مردم شکل نمی‌گیرد. وی از این سه ابزار با عناوین «ناموس الهی»، «حاکم انسانی» و «دینار» یاد می‌کند (همان: ۲۱۰).
- خواجه‌نصیر اجتماع معتدل را به تکافی چهار صنف اهل قلم، اهل شمشیر، اهل معامله و اهل مزارعه مشروط می‌داند. عدالت آن است که هر صنفی از جایگاه مستحق خود منحرف نشده و به‌دنبال غلبه بر صنوف دیگر نباشد؛ چون این امر سبب انحراف از عدالت و پدید آمدن فساد در امور جامعه می‌گردد. پس از ایجاد تعادل در میان اصناف چهارگانهٔ یادشده، خواجه شرط دوم عدالت‌ورزی را تعیین ویژگی‌ها، استعدادها و شایستگی‌های افراد جامعه از حاکم عادل معرفی می‌کند. و سرانجام در شرط سوم، خواجه ضرورت رعایت برابری در تقسیم خیرات مشترک را متناسب با استعدادها و شایستگی‌های افراد مطرح می‌کند (همان: ۲٦۲).
- «پادشاه چون از قوانین عدالت فارغ شود، احسان کند با رعایا که بعد از عدل، هیچ فضیلت در امور ملک بزرگتر از احسان نیست» (همان: ۲٦۵).
- خواجه‌نصیرطوسی بر این باور است که انسان به دلیل مدنی بالطبع بودن در برآورده ساختن نیازهای اولیهٔ خود نیازمند جامعه می‌باشند. این نیازمندی به‌دنبال ایجاد محبت و همکاری میان افراد جامعهٔ بشری روی خواهد داد چراکه «قوام، همهٔ موجودات به سبب محبت است و هیچ موجودی از این صفت بی‌بهره نیست». وی همچنین بر این باور است که محبت عامل ایجاد اتّحاد در میان مردم جامعه است و از همین جاست که محبت بر عدالت فضیلت می‌یابد (همان: ۲۱۷).
- از نظر خواجه، برای دوری از بیماری جامعه که درحقیقت، به بیماری میان افراد جامعه باز می‌گردد، باید در مرحلهٔ نخست، حاکم عادل وجود داشته باشد و در مرحلهٔ دوم، نظم اجتماعی در میان مردم حاکم باشد، تا زمینه برای رفاه‌اجتماعی عمومی، که نتیجهٔ عدالت‌ورزی است، فراهم آید (دهپاشی و دیگران، ۱۳۹۵).

www.SID.ir

Archive of SID

- از نگاه خواجه، آرمان‌شهر انسانی همان است که مردم در آن به‌دنبال نیکی‌ها و نابودی بدی‌ها با یکدیگر همکاری و همیاری داشته باشند و باورهای خود را براساس آموزه‌های دینی مانند باور به مبدأ و معاد شکل دهند. دراین‌صورت است که کارهای مردم حکیمانه و عاقلانه و در سایهٔ عدالت خواهد بود (همان: ۲۳۸).

صدرالمتألهین، دیدگاهی بینابینی دارد. وی دیدگاه مختصر خویش دربارهٔ سیاست را فیلسوفانه و با طرح صریح مسئلهٔ نیاز به مفهوم و اصول عدالت‌اجتماعی برای سازمان‌دهی زندگی دسته‌جمعی بشر آغاز می‌کند. پاسخ وی به پرسش مذکور نیز همچون خواجه‌نصیر، «مثبت» است. لکن در ادامهٔ بحث، برخلاف خواجه نصیر و همچون عموم فقها و فارابی، به‌جای تدوین اصول عدالت اجتماعی، مجموعهٔ احکام فقهی را برای سازماندهی زندگی دسته‌جمعی مطرح می‌کند (حاجی حیدر، ۱۳۸۹).

شهید صدر عدل را ناموس خلقت دانسته و جهان آفرینش را مبتنی بر آن می‌شمارد و انسان را نیز موجودی می‌داند که با عقل فطری خویش معیاری برای قضاوت عمومی در سلوک اجتماعی خویش دارد. وی عدالت‌اجتماعی را یکی از سه رکن اقتصاد اسلامی می‌داند و آن را بر پایهٔ دو اصل استوار می‌کند: تأمین اجتماعی و توازن اجتماعی (صدر، ١٤١٤: ٦٥٩).

همچنین باید به نظریات شهیدمطهری و امام‌خمینی(ره) و مقام معظم‌رهبری نیز در بحث عدالت‌اجتماعی اشاره نمود. در اسلام، برای تحقق عدالت‌اجتماعی راهکارهایی نظیر تقسیم عادلانهٔ امکانات و ایجاد تغییرات ساختاری در فرهنگ و جامعه پیشنهاد گردیده تا مردم با پرداخت خمس، زکات و مالیات و توزیع بخشی از درآمدها به طبقات کم درآمد به کاهش بی‌عدالتی‌ها کمک نمایند (بخشی‌زاده، ۱۳۹۱).

در تعریف کاربردی این لغت، کوین لینچ چنین آورده است: «عدالت روشی است که از طریق آن، هر نوع سود و زیان بین افراد توزیع می‌شود» (لینچ، ۱۳۸۱).

امیل دورکیم، جامعه‌شناس برجسته قرن نوزدهم، عدالت را توفیق و توازن در تنظیم خواسته‌ها می‌داند «جامعه باید تعهدات و تکالیف معینی را نسبت به اعضایش انجام دهد که عبارت است از تنظیم خواسته‌ها. اگر جامعه در این وظیفه ناکام بماند، ناعادلانه است»

www.SID.ir

Archive of SID

(Mestrovic, 1989: 50). از منظر دورکیم، در جامعهٔ مدرن، تنظیم خواسته‌ها دیگر توسط حاکم عادل انجام نمی‌گیرد، بلکه کل جامعه با تقسیم کار مبتنی بر نهاد قرارداد مورد توافق مردم به این مهم، یعنی تنظیم خواسته‌ها، اقدام می‌کند.

در شیوهٔ تفکر جدیدی که، تا همین اواخر، ازسوی بیشتر متفکران غربی دنبال می‌شد و اخیراً مورد تردید قرار گرفته است، همهٔ مفاهیم صبغهٔ انسانی دارند و تنها در درون حوزهٔ عمل انسانی معنادار هستند. طبیعت و نظام طبیعی بدون انسان و عمل انسانی بی‌معناست. ازاین‌رو، اگر هم حقوقی به رسمیت شناخته شود، به‌معنای حق و قانون طبیعی انسان خواهد بود. حق حیات، حق مالکیت و حق آزادی اینگونه هستند. بدین‌ترتیب، عدالت وصف افعال انسانی است و عملی عادلانه است که براساس اصول ناظر به صیانت از حقوق اساسی بشری باشد (غنی‌نژاد، ۱۳۸۰: ٦).

برای تحقق عدالت لازم است مردم احساسی از نیکویی داشته باشند و بحث عدالت در جوامعی که یک مفهوم عمومی از زندگی خوب دارند، قابل تحقق است، ارزش‌هایی مانند اخلاق کانتی و اخلاق دینی موجب فراهم شدن شرایط برای تحقق عدالت می‌شود. اگر دولت‌ها به‌دنبال تجارت باشند، هم مردم و هم دولت فقیر می‌شود، ولی دولتی که اجازه بدهد مردم ثروت تولید کنند، مردم و دولت با هم موفق می‌شوند (طبری، ۱۳۸۳: ۳۰).

درواقع، عدالت ایجاد رابطه‌ای خاص میان اهداف عالیهٔ انسانی و نوع زندگی انسان‌ها مثل رفاه و معرفت بهره‌برداری از مواهب جامعه چون ثروت و منزلت است. عدالت بیشتر نه مفهومی نظری و مجازی است و نه صرفاً در لفاف مباحث فلسفی جای دارد بلکه پدیده‌ای است که معطوف به عمل است. به‌نظر بسیاری از صاحب‌نظران، نظیر مطهری، عدالت جزئی از عدالت کلی حاکم بر ارکان هستی است.

شهر اسلامی

ابن‌خلدون (۱۳۵۳) منشأ بنیاد شهرها را خصوصیات تجمل‌خواهی بشر و زندگی در ناز و نعمت می‌داند. ازآنجایی‌که خواست‌های ضروری مقدم بر نیازهای تجملی بشر است، بنابراین،

www.SID.ir

Archive of SID

بادیه‌نشینی به‌منزلهٔ اصل و منشأ شهرهاست و مقدم بر شهرنشینی است. ابن‌خلدون در مورد بنیاد شهرهای بزرگ و توسعهٔ آنها می‌نویسد که چون شهرهای بزرگ دارای ساختمان‌ها و عمارت‌های بزرگ است، ایجاد آنها به نیروی انسانی زیاد و ثروت هنگفت نیاز دارد. بنابراین، فقط پادشاهان و دولت‌های مقتدر می‌توانند با اجیر کردن و/یا به بردگی کشیدن جمعیتی که این امر از امور ضروری آنها نیست، اقدام به ایجاد چنین عمارت‌ها و شهرهای بزرگی کنند. بنابراین، ابن‌خلدون توسعهٔ شهر را وابسته به دوام دولت وقت می‌داند و می‌گوید که هرگاه دولت وقت سقوط کند، توسعهٔ شهر محدود می‌شود و گاهی آن شهر از بین می‌رود، مگر اینکه دولت جدید به آن شهر توجه کند (ابن‌خلدون، ۱۳۵۳).

شهرنشینی در دورهٔ اسلامی، ادامه و دگرگونی زندگی شهری ساسانی بود. در این دوره، وضع سیاسی (اداری و نظامی)، اقتصادی و اجتماعی شهر همچنان پابرجا ماند و به علت وسعت امپراتوری اسلامی و گسترش بازار مبادلات در قرن‌های سوم و چهارم، شهرنشینی رونق فراوان یافت و سیمای شهرها دگرگون شد. در دورهٔ اسلامی، سازمان‌های دینی نیز در شالودهٔ زندگی شهری اهمیت زیادی یافت و مسجد آدینه یا مسجد جامع از اجزای اصلی نظام اجتماعی شهر شد (اشرف، ۱۳۵۳).

برای نخستین‌بار، در دهه‌های آغازین قرن بیستم، شرق‌شناسان فرانسوی شهر اسلامی را به‌صورت علمی، مطالعه کردند. در مورد ماهیت و قابلیت تمایز شهر اسلامی نظریه‌های گوناگونی مطرح شده است.

از نظر حکیم (۱۹۹۸)، هنوز نظریهٔ جامعی دربارهٔ شهر اسلامی تدوین نشده است. به زبان یکی از پژوهشگران شهر اسلامی نخستین مقالات دربارهٔ شهر اسلامی ویژگی‌های کالبدی شهر اسلامی را، بیشتر آنگونه که در شمال آفریقا مشاهده شده بود، تشریح کردند. اما آنها توجه کمتری به سازمان اجتماعی شهر کردند و تلاشی برای جستجوی علل بنیانی الگوهای خاصی، که در شهرهای اسلامی یافت می‌شود، نکردند (ابولقد، ۱۹۸۷).

www.SID.ir

Archive of SID

ویلیام مارشه نویسنده‌ای است که برای نخستین‌بار مفاهیمی را دربارهٔ شکل و ساختار شهر اسلامی ارائه کرد. اندیشهٔ اصلی او بر این نکته مبتنی است که اسلام مشخصاً دینی شهری است و طبق قوانین اسلام، زندگی شهری برای مسلمان اجباری است (Hourani & Stern, 1970).

شهر دو کانون اصلی دارد: مسجد جامع و بازارها...؛ مسجد جامع به‌عنوان مرکز دینی، سیاسی و معنوی در طول مسیرهای اصلی شهر یا در تقاطع آنها قرار می‌گیرد... در کنار مسجد جامع، بنای حکومتی یا به‌عبارت‌دیگر، کاخ حکمران شهر جا گرفته است.... بازارها در تمام سرزمین‌های اسلامی شکل و سلسله‌مراتب عملکردی یکسانی دارند... در بخش اقتصادی شهر، یگانگی و وحدت شهر نمایان است، درحالی‌که در بخش‌های مسکونی گرایش‌های جدایی‌طلبی دیده می‌شود. هر محله به یک قوم اختصاص دارد و این اقوام مسجد، حمام و بازار خود را می‌سازند (فلاحت، ۱۳۹۰).

لاپیدوس[1] (۱۹۸٤) سعی کرد «جامعه شهری اسلامی» را به‌عنوان یکی از مؤثرترین عوامل شکل‌دهی «شهر اسلامی» بررسی کند... او گروه‌های مختلف اجتماعی، سازمان‌دهی محله‌ها، سازماندهی زندگی اجتماعی و نقش علما را در شکل‌دهی جامعهٔ شهری را در سه شهر حلب، قاهره و دمشق تحت حکومت مملوک بررسی کرد و به این نتیجه دست یافت که جامعهٔ شهری «شهرهای مسلمان» یک پیکرهٔ منسجم اقتصادی_اجتماعی ندارد، بلکه جامعه‌ای است که خود نیروها و عملکردهای ضروری را در میان گروه‌های مختلف تقسیم کرده است.... نکتهٔ جدیدی که لاپیدوس به مطالعات شهر اسلامی اضافه کرد، توجه به این نکته بود که دنیای اسلام، دنیایی همه‌جا یکسان نیست، بلکه هر منطقه خاصیت‌های مخصوص به خود و کلیت مخصوص به خود را دارد (Lapids, 1984).

هورانی (۱۹۷۰) برخلاف لاپیدوس، اذعان می‌دارد که ساختار شهر نمی‌تواند فقط به‌عنوان تجلی مستقیم و بیان سادهٔ ساختار اجتماعی فرض شود. در این‌باره آورده است: شهر نمی‌تواند فقط ظهور مادی خارجی به‌صورت سنگ، چوب یا گل از نظام اقوام اجتماعی یا نهادهای اجتماعی باشد... عوامل بسیاری وجود دارند که شکل شهر را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند. از نظر او،

1. Ira Marvin Lapidus

www.SID.ir

Archive of SID

شهر اسلامی شهری است که شامل این عناصر باشد: محله یا شهر حکومتی، یک مجموعهٔ شهری قرار گرفته در مرکز که شامل مسجدهای بزرگ، مدارس مذهبی، بازارهای مرکزی با کاروان‌سراها و قیصریه‌هاست، هسته‌ای محله‌های مسکونی که واجد دو ویژگی اصلی ترکیب محلی با تفاوت‌های دینی و قومی، جدایی و استقلال نسبی هر محله یا گروه از دیگر محله‌ها و حومه‌هاست.

با توجه به مطالب اشاره شده در دو بخش عدالت‌اجتماعی و شهر اسلامی، از مفاهیم عدالت‌اجتماعی در اندیشمندان اسلامی نظیر خواجه نصیر، شهیدصدر، امام‌خمینی و رهبر انقلاب همچنین از مباحث شهر اسلامی و ابعاد ذکر شده در ارتباط با آن در تحلیل یافته‌های تحقیق استفاده شده است.

روش تحقیق

در این تحقیق از روش تحلیل تماتیک یا تحلیل مضمون برای تحلیل داده‌ها و منابع موجود استفاده شده است. تحلیل تماتیک عبارت است از تحلیل مبتنی بر استقرای تحلیلی که در آن محقق از طریق طبقه‌بندی داده‌ها و الگویابی درون‌داده‌ای و برون‌داده‌ای به یک سنخ‌شناسی تحلیلی دست می‌یابد (محمدپور، ۱۳۹۲).

شیوه‌های متفاوت و مختلفی برای انجام تحلیل تماتیک اشاره شده است. در این مقاله، مراحل تحلیل تماتیک از دیدگاه کلارک و بران (۲۰۰۶، ۲۰۱۳) مورد استفاده قرار گرفته است. مراحل تحلیل تماتیک (کلارک و بران، ۲۰۰۶، ۲۰۱۳) عبارت‌اند از: آشنا ساختن خود با داده‌هایتان (در این مرحله محقق شروع به کسب اطلاعات از منابع و اسناد مرتبط می‌نماید تا شناخت قابل قبولی نسبت به موضوع و مراحل تحلیل به‌دست آورد. ازاین‌رو منابع مرتبط با شهر اسلامی از لحاظ استخراج معیارها مورد مطالعه قرار گرفت)؛ تولید کدهای اوّلیه؛ جستجوی تم‌ها؛ مرور تم‌ها؛ تعریف و نام‌گذاری تم‌ها؛ و تهیهٔ گزارش.

خود بازبینی محقق در طی فرایند جمع‌آوری و تحلیل داده، یکی دیگر از روش‌هایی بوده است که به افزایش قابلیت اعتبار انجامیده است.

www.SID.ir

Archive of SID

یافته‌های تحقیق

عدالت‌اجتماعی در شهر اسلامی معیارهایی دارد که در برخی از منابع مذهبی و متون اسلامی نیز به آنها اشاره شده است. طبق سؤالات تحقیق و نتایج حاصل از تحلیل تماتیک، یافته‌های تحقیق از دو بخش تشکیل شده است. در بخش اول، به تبیین شهر اسلامی پرداخته شده و در بخش دوم، معیارهای عدالت‌اجتماعی در شهر اسلامی بیان شده است.

- تبیین و تحلیل سؤال اول تحقیق: شهر اسلامی چیست؟

با وجود مطالب و نوشته‌های زیاد و گوناگون دربارهٔ شهر اسلامی، که آن را به «مفهومی سهل و ممتنع» مبدل کرده است، نمی‌توان صرف شمارش تعدادی خصوصیات و ویژگی‌ها برای شهر اسلامی به نظریه یا نظریه‌های شهر اسلامی دست یافت. درواقع، برحسب اصول روشی علوم‌اجتماعی، بعد از تبیین علمی شهر اسلامی است که ما می‌توانیم به تعریف و نظریهٔ شهر اسلامی برسیم.

طبق شیوهٔ وبری، شهر اسلامی با تفسیر تفهمی و تبیین علّی مورد تبیین واقع می‌شود. به عقیدهٔ وبر (آرون، ۱۳۹۳)، پژوهش علّی در دو جهت پیش می‌رود: علّیت تاریخی (اوضاع و احوال یگانه‌ای که موجب ایجاد شهر اسلامی شده‌اند) و علیت جامعه‌شناختی (که بنا را بر این می‌گذارد که میان دو نمود، نسبتی منظم وجود دارد).

همچنین می‌توان شهر اسلامی را طبق نظریهٔ دورکیم (۱۳۹۳) به دو شیوهٔ تبیین علّی و تبیین کارکردی نیز تبیین نمود. در تبیین علّی، این پرسش مطرح است که ساختار شهر اسلامی چگونه و به چه علّتی به‌وجود آمده است و چرا یک چنین صورت و ویژگی‌هایی به خود گرفته است. در تبیین کارکردی نیز این سؤال طرح می‌شود که ساختار شهر اسلامی چه نیازهایی از جامعه و اجتماع را برآورده می‌سازد.

به‌طورکلی، یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که شهر اسلامی تعاریف متعدد و گاهی متضاد دارد که هرکدام در جای خود، دارای نقد و بررسی می‌باشند، لذا باید آن را تبیین نمود تا تعریف

www.SID.ir

Archive of SID

و نظریه‌پردازی. می‌توان گفت که شهر اسلامی به پشتوانهٔ هویت اسلامی و نمادهای آن است که به این نام مطرح می‌شود و شهری متفاوت از شهرهای غیراسلامی است.

جدول شمارهٔ ۱ مرور و نام‌گذاری تم‌ها

تم‌های اصلی	تم‌های محوری	تم‌های هسته‌ای
• شهر اسلامی در قالب شریعت اسلام معنا پیدا کرده و می‌کند. • شهر اسلامی وابسته به مکان بوده و در جوامع و اجتماع مسلمان، متبلور می‌شود. • شهر اسلامی، در اثر کثرت مطالعات و تکرار مفاهیم، به مفهومی سهل ممتنع در ادبیات شهری تبدیل شده است. • شهر اسلامی، در تقابل با شهر غربی قرار ندارد و در تضاد با آن تعریف نمی‌شود. • شهر اسلامی ادبیات نظری و علمی دارد که بیشتر توسط محققان غربی و در ادامه محققان کشورهای اسلامی بسط و توسعه کرده است. • شهر اسلامی بیشتر براساس ویژگی‌ها و خصوصیاتش نظیر مسجد، بازار و... تعریف و مفهوم پیدا می‌کند. • ساختار شهر اسلامی نتیجهٔ رابطهٔ گروه‌های اجتماعی‌ای بالاخص علماست. • شهر اسلامی دچار سوءتعبیرها، مبهم و آشفتگی‌ها و نبود چارچوب نظری جامع است.	• مفهومی سهل و ممتنع و قابل تبیین • معنا یافتن در قالب شریعت اسلام • در تقابل نبودن با شهرهای غیراسلامی؛ • وابستگی به مکان و نقش غالب نیروهای مذهبی	• پیوند اسلام با شهر • تبیین محور بودن شهر اسلامی تا تعریف و نظریه محور بودن آن

طبق مطالعهٔ منابع و آثار موجود در تبین شهر اسلامی، باید گفت که فضای اجتماعی و تعاملات انسانی در شهر اسلامی، برحسب پشتوانهٔ معرفتی و هستی‌شناسانه هویت پیدا می‌کند. براساس یافته‌های تحقیق، ۸ تم اصلی و ٤ تم محوری در تبیین شهر اسلامی به‌دست آمده است که منجر به دو مقولهٔ هسته‌ای با عنوان «پیوند اسلام با شهر» و «تبیین‌محور بودن شهر اسلامی تا تعریف و نظریه‌محور بودن آن» شده است.

با توجه به مطالب بالا می‌توان گفت که برای شهر اسلامی، صرفاً می‌توان مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی تعیین کرد و گفت که در صورت وجود چنین مؤلفه‌هایی ما شاهد وقوع شهر اسلامی خواهیم بود.

www.SID.ir

Archive of SID

– تبیین و تحلیل سؤال دوم تحقیق: معیارهای عدالت‌اجتماعی در شهر اسلامی کدام‌اند؟

طبق تحلیل تماتیک و مرور منابع در مرحلهٔ اول، باید اشاره کرد که وجود عدالت‌اجتماعی در شهر اسلامی منوط به سه بعد اول، زندگی مردم تحت لوای اسلام در شهر؛ دوم، وجود حکومت و حاکم شرعی در شهر و سوم، وجود قانون در شهر (اقتباس از اراکی، ۱۳۹۶) است. در قرآن کریم، از این جامعهٔ برخوردار از هویّت توحید و عدل گاهی به جامعهٔ عبادالله الصّالحین تعبیر شده است (سورهٔ انبیاء آیهٔ ۱۰۵: «وَ لَقَدْ کَتَبْنا فِی الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّکْرِ أَنَّ الْأَرْضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصَّالِحُونَ» یا سورهٔ نور آیهٔ ۵۵: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذینَ آمَنُوا مِنْکُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الْأَرْضِ»).

شهر اسلامی دارای فرهنگ مشترک شهری است که مبنای زندگی شهری را به‌وجود می‌آورد. درواقع، شهر به‌هم‌ریخته نمی‌تواند شهر گویای هویّت توحید و عدل باشد. منظور از نظم هم نظم عادل است؛ از اساسی‌ترین مقوّمات عدل این است که هرچیزی جای خود باشد (الإمامُ علیٌّ علیه السلام: العاقِلُ مَن وَضَعَ الأشیاءَ مَواضِعَها، و الجاهِلُ ضِدُّ ذلکَ) (تمیمی آمدی، ۱۳۹۲). پس نظمِ عادل ویژگی یک شهر اسلامی است. همچنین از مصادیق فسادی که در قرآن‌کریم به آن اشاره شده فساد در نظم شهری است. منظور از فساد، اختلال در نظم است.

از نظر فارابی (۱۳۶۱) نیز استفاده می‌شود که یکی از ابعاد ایجاد عدالت در شهر، وجود نقشهٔ شهری است. از نظر او مقومات شهر عبارت‌اند از: حاکم، قانون، مردم، اجتماع کثیر مردم و تعاون بر مقصد جمعی.

اوّلین نماد حاکمیّتی در یک شهر اسلامی مساجد آن شهر است؛ مسجد در فرهنگ دینی ما بیت‌الله است و باید در وسط شهر باشد، باید به یک شکلی دسترسی یکسان و برابر برای همهٔ مردم امکان داشته باشد. مرز شهر باید به‌گونه‌ای باشد که مسافت مرز از هر نقطه تا نقطهٔ مرکزی شهر یکسان باشد.

مسئلهٔ دیگر در ارتباط با عدالت‌اجتماعی در شهر اسلامی، در بحث حریم، ملاک عدم اضرار است؛ یعنی یا ضرر زدن یا جلوگیری از انتفاع ملاک است. همچنین باید به مسئلهٔ وسعت مسکن نیز پرداخت که مستحب است محل مسکونی و محل سکونت وسعت داشته باشد و

www.SID.ir

Archive of SID

مکروه است محل سکونت تنگ باشد. مردی از انصار در محضر پیامبر (ص) از داشتن منزل کوچک ابراز ناراحتی نمود! پیامبر فرمود: «داد بزن و از خداوند بخواه که خانه‌ات توسعه پیدا کند»؛ «شَكَا رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) أَنَّ الدُّورَ قَدِ اكْتَنَفَتْهُ فَقَالَ النَّبِيُّ (ص) ارْفَعْ صَوْتَكَ مَا اسْتَطَعْتَ وَ سَلِ اللَّهَ أَنْ يُوَسِّعَ عَلَيْكَ» (کلینی، ج ٦، ١٤٠٧: ٥٢٦).

جدول شمارهٔ ۲ تحلیل تماتیک معیارهای عدالت‌اجتماعی در شهر اسلامی

تولید کدهای اوّلیه	جستجو و مرور تم‌ها	تعریف و نامگذاری تم‌ها
کدهای اوّلیه تولیدشده عبارت‌اند از: تعاون؛ حاکم؛ قانون؛ اجتماع کثیر مردم؛ نقشهٔ شهری؛ فرهنگ مشترک شهری؛ امنیت؛ رفاه اقتصادی؛ هویت توحیدی؛ عدل؛ نظم؛ مساجد شهری؛ اقامهٔ نماز جمعه؛ توسعهٔ ساختمان‌ها به حالت افقی؛ بافت شهری؛ راه فرعی و راه اصلی؛ فضای بیرونی خانه‌ها؛ عدم اضرار؛ مطلوبیت فضای سبز؛ و وسعت مسکن.	بعد از مرور کدهای اولیهٔ تولیدشده و جستجوی تم‌ها، تم‌های (مضامین) عدالت‌اجتماعی در شهر اسلامی عبارت‌اند از: تأسیس امّت جهانی عدل؛ زندگی مردم تحت لوای اسلام؛ وجود حکومت و حاکم شرعی؛ وجود هویّت توحیدی در شهر؛ وجود قانون در شهر؛ نظم، اساس شهر اسلامی؛ وجود هویّت عدل در شهر؛ وجود فرهنگ مشترک شهری؛ وجود نقشهٔ شهری ؛ وفای به حق مردم (ایتای زکاة) و وفای به حق خدا (اقامهٔ صلاة)؛ گسترش ساختمان‌ها به حالت افقی؛ نبودن اسراف و تبذیر؛ رفاه اقتصادی در شهر؛ اقامهٔ حدود؛ وجود امنیت در شهر؛ مطالبهٔ عدالت‌اجتماعی از سوی مردم ؛ نبودن اسراف و تبذیر؛ منع ساختمان‌های مرتفع؛ نگهداری برخی چهارپایان نظیر اسب؛ شعاع استاندارد شهر؛ وجود راه‌های اصلی و فرعی؛ لزوم رعایت حریم؛ حق الطریق؛ درنظر گرفتن فضای بیرونی برای خانه‌ها؛ بافت شهری مناسب؛ مطلوبیت سعهٔ مسکن؛ استحباب وسعت مسکن؛ برپایی نماز جمعه؛ حومهٔ عبادی شهر (سه مایل)؛ وجود بیت اسلامی؛ وجود جان شهر، یعنی جان توحید؛ آرامش شهر؛ اعتبار حق عبور؛ وجود مرکزیت شهری و دسترسی به آن؛ ممنوعیت سدّ طریق؛ حریم پیاده‌روها؛ حرمت تعدی به راه مسلمین.	معیارهای عدالت‌اجتماعی که جزء شاخص‌های اساسی شهر اسلامی هستند طبق تحلیل تماتیک، تم‌های هسته‌ای زیر هستند: – هویت توحیدی – نظم –کالبد اسلامی

www.SID.ir

Archive of SID

طبق جدول بالا و با توجه به یافته‌های تحقیق، معیارهای هسته‌ای و مرکزی عدالت‌اجتماعی که جزء شاخص‌های اساسی شهر اسلامی نیز هستند عبارت‌اند از: هویت توحیدی، نظم و کالبد اسلامی.

هویت توحیدی از زیر معیارهای وجود هویت عدل، تأسیس امت جهانی عدل، فرهنگ مشترک شهری، زندگی مردم تحت لوای اسلام، وجود جان شهر، یعنی جان توحید، وفای به حق مردم (ایتای زکاۀ) و وفای به حق خدا (اقامۀ صلاۀ)، اقامۀ حدود و وجود حاکم شرعی شکل گرفته است.

نظم شامل زیر معیارهای وجود قانون، مطالبۀ عدالت‌اجتماعی ازسوی مردم، نبودن اسراف و تبذیر، امنیّت و رفاه اقتصادی است.

کالبد اسلامی از زیر معیارهای وجود نقشۀ شهری، گسترش ساختمان‌ها در شهر به حالت افقی، بافت شهری مناسب، وجود بیت اسلامی، برپایی نماز جمعه، شعاع استاندارد شهر، وجود راه‌های اصلی و فرعی، لزوم رعایت حریم، حق الطریق، درنظر گرفتن فضای بیرونی برای خانه‌ها، آرامش شهر، وجود مرکزیت شهری و دسترسی به آن، ممنوعیت سدّ طریق، مطلوبیت سعۀ مسکن، استحباب وسعت مسکن، حریم پیاده‌روها، حومۀ عبادی شهر (سه مایل)، منع ساختمان‌های مرتفع، نگهداری برخی چهارپایان نظیر اسب، حرمت تعدّی به راه مسلمین و اعتبار حق عبور تشکیل یافته است.

بحث و نتیجه‌گیری

زمانی‌که اسلام در قرن هفتم، به ظهور رسید اصول اساسی آن از بین بردن نابرابری و بی‌عدالتی‌های دوران پیش از اسلام، تأمین حقوق اساسی مظلومان و استقرار عدالت در بین مردم بود. در پاسخ به سؤالات تحقیق می‌توان چنین بحث و نتیجه‌گیری نمود که از زمان ظهور اسلام، شهر به‌تبع شریعت اسلام، معنا و مفهوم خاصی پیدا کرده و ساختار نوینی در معماری و شهرسازی پدید آورده است. به‌طوری‌که با تفاوت‌هایی باعث شکل‌گیری شهر اسلامی_عربی، شهر اسلامی_ایرانی، شهر اسلامی_مصری و... شده است. از لحاظ بررسی علمی، شهر اسلامی

www.SID.ir

Archive of SID

و ارتباط آن با عدالت‌اجتماعی موضوع مهم و تازه‌ای است که در طی سال‌های اخیر، مورد بررسی قرار گرفته است.

در الگوی شهر اسلامی، عامل مسلط دین اسلام است و به‌طور حتم، تمامی شاخص‌ها و عناصر زندگی اجتماعی و کالبدی شهر براساس این عامل نظام و هویت می‌یابند. شهر اسلامی واقعیتی اجتماعی است که محقق هم به‌دنبال تبیین کنش انسانی و هم تبیین آن به‌عنوان نهاد اجتماعی است.

طبق دو شیوهٔ تبیین علّی و تبیین کارکردی نظریهٔ دورکیم (۱۳۹۳) در این تحقیق می‌توان گفت که مطابق تبیین علّی، این پرسش مطرح است که ساختار شهر اسلامی چگونه و به چه علّتی به‌وجود آمده است و چرا یک چنین صورت و ویژگی‌هایی به خود گرفته است. در پاسخ باید گفت که ساختار شهر اسلامی برای ایجاد عدالت‌اجتماعی ساخت یافته است و صورت‌هایی چون نظم و کالبد اسلامی را دنبال می‌کند.

در تبیین کارکردی نیز این سؤال طرح می‌شود که ساختار شهر اسلامی، چه نیازهایی از جامعه و اجتماع را برآورده می‌سازد که طبق یافته‌های تحقیق نیاز به هویت، داشتن نظم و بحث توسعه و زیرساخت‌های مسکن و شهرسازی و معماری را در زیر لوای «کالبد اسلامی» پیگیری می‌کند.

درواقع، شهر اسلامی مفهومی نظری در عین وابستگی کامل به میدان و بطن زندگی اجتماعی است.

کرنیا، که مدیریتِ یکی از برجسته‌ترین پژوهش‌های تاریخی در زمینهٔ ارزیابی تجربه‌های توسعه در قرن بیستم را برعهده داشته، در زمینهٔ عدالت اجتماعی و نقش آن در سرنوشت توسعه، تا آنجا پیش می‌رود که به گواه تجربه‌های مشاهده شده در این قرن، مهم‌ترین سرمنشأ توسعه و عدم توسعه را نحوهٔ نگاه به مسئلهٔ عدالت اجتماعی مطرح می‌سازد (Cornia, 1999).

در بین دیدگاه‌های مطرح در سه دههٔ گذشته «نظریهٔ بنتامی» یا مطلوبیت‌گرایی؛ بر عدالت برحسب حداکثر کردن مطلوبیت اجتماعی تأکید دارد. «رالز» در تحقیقاتش اولویت را به آزادی در عناصر عدالت‌اجتماعی می‌دهد. «نوزیک» نیز با پررنگ کردن حقوق مالکیت، بر اولویت کامل

www.SID.ir

Archive of SID

حقوق، ازجمله حقوق مالکیت، تأکید دارد. «سن» نیز به آزادی توجه بیشتری دارد و اینگونه بیان میدارد که آزادی انسان باعث شکوفایی و خلاقیت فرد می‌شود و او را در تولید بیشتر ثروت تشویق می‌کند (نقیب‌زاده، ۱۳۷۹: ٥٤)». درواقع، این دیدگاه‌های مطرح به عناصر مطلوبیت اجتماعی، آزادی و حقوق انسانی ازجمله حقوق مالیکت تأکید دارند. درصورتی‌که طبق یافته‌های پژوهش حاضر، سه مؤلفهٔ عدالت‌اجتماعی در شهر اسلامی، که از نتایج تحقیق حاصل شده است، یعنی هویت توحیدی، نظم و کالبد اسلامی می‌تواند به شکل کاملی عدالت‌اجتماعی را در شهر اسلامی نمایان سازد و مؤلفه‌های ذکر شده اندیشمندان بالا را نیز پوشش دهد.

می‌بایست توجه داشت که بعثت پیامبران و تشریع ادیان به منظور تحقق قسط و عدل، با مفهوم وسیع کلمه در نظام حیات انسان بوده است و عملاً عدالت، جدا از اجتماع انسانی قابل تصور نیست. ازاین‌رو، اگر ما معیار عدل در شهر اسلامی نداشته باشیم که مقیاس سنجش عدل باشد، آن وقت، عدلی را که تعریف می‌کنیم، عدل مبتنی بر عدم واقعیت می‌شود و هرکسی طبق ذوق خود، طبق خواستهٔ خود، طبق نیاز خود عدل را تعریف می‌کند و در ادامهٔ ستیز، جنگ، اختلاف و درگیری پیش می‌آید. لذا برای اقامهٔ عدل راهی جز دین خدا نیست، هویّتی که قرآن کریم تعریف می‌کند هویت اسلام است. پس شهر اسلامی باید بر مبنای این هویّتی که از اسلام برمی‌خیزد پای بگیرد، شکل بگیرد و عدالت‌اجتماعی در آن ایجاد شود. شهر باید هویّت داشته باشد و هویّت شهر اسلامی هویّت توحید و عدل است.

برخی از کارشناسان اروپایی معتقدند در سال‌های آینده، مناسب‌ترین طرح برای بخش مرکزی شهرها همان طرحی است که از قرن‌ها پیش، بخشی از مرکز شهرهای اسلامی را رونق داده و سامان بخشیده است (شکوئی، ۱۳۸۳).

درواقع، عدالت‌اجتماعی طبق این سه معیار در شهر اسلامی نمود پیدا می‌کند. هویت توحیدی یعنی در شهر اسلامی مردم دارای هویت عدل بوده و امّتی عدل‌خواه هستند و تحت لوای اسلام زندگی می‌کنند، شهر دارای جان است و حاکم شرعی بر آن مدیریت دارد و وفای به حق مردم (ایتای زکاهٔ) و وفای به حق خدا (اقامهٔ صلاهٔ) و اقامهٔ حدود در آن جاری است.

www.SID.ir

Archive of SID

نظم از معیارهای دیگر عدالت‌اجتماعی در شهر اسلامی نیز عبارت است از وجود قانون در شهر، مردمی مطالبه‌گر عدالت‌اجتماعی، نبودن اسراف و تبذیر، امنیت و رفاه اقتصادی در شهر.

معیار سوم عدالت‌اجتماعی در شهر اسلامی، کالبد اسلامی است؛ یعنی شهر اسلامی دارای نقشهٔ شهری، بافت شهری مناسب، برپایی نماز جمعه، حق الطریق، آرامش شهر، وجود مرکزیت شهری و دسترسی به آن، مطلوبیت سعهٔ مسکن، منع ساختمان‌های مرتفع، حرمت تعدّی به راه مسلمین و اعتبار حق عبور است.

می‌توان گفت که مبانی نظری اسلام بهترین شرایط را برای تولید و نظریه‌پردازی عدالت به‌نحو کامل داراست، همان‌طور که نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که هستهٔ محوری عدالت اجتماعی در شهر اسلامی بر هویت توحیدی قرار دارد و دو معیار دیگر آن نظم و کالبد اسلامی است.

منابع

- قرآن کریم
- ابن‌خلدون، عبدالرحمن (۱۳۵۳)، *مقدمه* ج ۲، ترجمهٔ محمد پروین گنابادی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اراکی، محسن (۱۳۹٦)، «سلسله دروس خارج فقه «نظام عمران و شهرسازی اسلامی»، خبرگزاری مهر.
- اشرف، احمد (۱۳۵۳)، «ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران دورهٔ اسلامی»، *نامه علوم‌اجتماعی*، ۱(٤): ٤۹– ۷.
- بخشی‌زاده، حسن (۱۳۹۱)، «*بررسی وضعیت عدالت‌اجتماعی در ایران و منطقه در افق چشم‌انداز*»، گزارش راهبردی دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، کمیسیون نظارت.
- بخشی‌زاده، حسن (۱۳۹۷)، *تبیین عوامل اجتماعی در دگردیسی ساخت شهر اسلامی در دورهٔ معاصر (موردپژوهی: تهران، شهر اسلامی ایرانی)*، رساله دکتری دانشگاه تهران.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۹۲)، *اکمال غرر الحکم*، ترجمهٔ آیت‌الله سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

www.SID.ir

Archive of SID

- توسلی، غلامعباس (۱۳۷٤)، *جامعه‌شناسی شهری*، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- جاجرمی، کاظم؛ کلته، ابراهیم (۱۳۸٤)، «شهر و عدالت اجتماعی (مطالعه موردی: گنبد قابوس)»، *فصلنامه جغرافیایی سرزمین*، ۲ (٦): ۸۹_ ۱۰۲.
- حاتمی‌نژاد، حسین؛ منوچهری میاندوآب، ایوب؛ بهارلو، ایمان؛ ابراهیم‌پور، احد؛ حاتمی‌نژاد، حجت (۱۳۹۱)، «شهر و عدالت اجتماعی: تحلیلی بر نابرابری‌های محله‌ای»، *نشریهٔ پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ٤٤ (۸۰): ٤۱_ ٦۳.
- حاجی حیدر، حمید (۱۳۸۹)، «نیاز به مفهوم عدالت اجتماعی، بررسی دیدگاه‌های مختلف در اندیشهٔ سیاسی شیعی»، *حکومت اسلامی*، ۱۵ (۲): ۳۵_ ۵۹.
- حرّ عاملی، محمد حسن (۱۳٦۷)، *وسائل الشیعهٔ*، ج ۲۵، قم: نتشارات آل البیت لإحیاء التراث.
- داداش‌پور، هاشم؛ علیزاده، بهرام؛ رستمی، فرامرز (۱۳۹٤)، «تبیین چارچوب مفهومی عدالت فضایی در برنامه‌ریزی شهری با محوریت مفهوم عدالت در مکتب اسلام»، *فصلنامه علمی-پژوهشی نقش جهان*، ۵ (۱): ۷۵_ ۸٤.
- دهباشی، مهدی؛ محمدخانی، مهدی؛ واعظی، سیدحسین (۱۳۹۵)، بررسی و بازخوانی دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی دربارهٔ عدالت»، *پژوهش‌های اخلاقی*، ۱ (۷): ۱٦۱_ ۱۸۰.
- دورکیم، امیل (۱۳۹۳)، *قواعد روش جامعه‌شناسی*، ترجمهٔ علی‌محمد کاردان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ربانی، رسول (۱۳۹۰)، *جامعه‌شناسی شهری*، اصفهان: نشر دانشگاه اصفهان.
- روزنبرگ، الکزاندر (۱۳۸۵) *فلسفه علم*، ترجمهٔ مهدی دشت بزرگی و فاضل اسدی امجد، قم: کتاب طه.
- سید باقری، سید کاظم (۱۳۸۷)، *راهکاری عدالت‌اجتماعی در نظام اسلامی*، تهران: انتشارات کانون اندیشهٔ جوان.
- شکوئی، حسین (۱۳۸۳)، *دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری*، جلد اول، تهران: انتشارات سمت.
- صدر، محمدباقر (۱٤۱٤ ق)، *اقتصادنا*، بیروت: دارالتعاریف للمطبوعات.
- غنی‌نژاد، موسی (۱۳۸۰)، «عدالت، عدالت اجتماعی و اقتصاد»، *بازتاب اندیشه*، شمارهٔ ۱۵: ٦۱_ ٦٦.
- غنی‌زاده، مسعود (۱۳۸۵)، «نگاهی به شهر در تمدن اسلامی»، *راهبرد یاس*، شمارهٔ ۷: ۱۹۷_ ۲۱۰.

www.SID.ir

Archive of SID

- فارابی، محمد بن محمد (۱۳٦۱)، *آراء اهل المدینه الفاضله*، ترجمه و شرح جعفر سجادی، تهران: کتابخانهٔ طهوری.
- فلاحت، سمیه (۱۳۹۰)، «برساخت مفهوم «شهر اسلامی»»، *مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، ۳ (۱): ۳۵_ ٤٥.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱٤۰۷)، *الکافی*، ج ٦، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- لینچ، کوین (۱۳۸۱)، *تئوری شکل شهر*، ترجمهٔ حسین بحرینی، ویرایش دوم، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۲)، *روش تحقیق کیفی ضد روش ۱: منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی*، تهران: جامعه‌شناسان.
- نصیرالدین‌طوسی، محمدبن محمد (۱٤۱۳ق)، *اخلاق ناصری*، تهران: انتشارات علمیه اسلامیه.
- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۷۹)، *درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی*، تهران: انتشارات سمت.
- هاروی، دیوید (۱۳۸۲)، *عدالت‌اجتماعی و شهر*، ترجمهٔ محمدرضا حائری، فرخ حسامیان، بهروز منادی‌زاده، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- یوسفی‌فر، شهرام (۱۳۸۲)، «تاریخ شهر و شهرنشینی در جوامع اسلامی»، *نشریه کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، شمارهٔ ٤۷: ٤۲_ ۵۱.

- Abu-Lughod, Janet L. (1987), "The Islamic City-Historic Myth, Islamic Essence, and Contemporary Relevance", *International Journal of Middle East Studies*, Vol. 19 (2): 155-176, Cambridge University Press.
- Braun, V.; Clarke, V. (2006), "Using thematic analysis in psychology", *Qualitative Research in Psychology*, 3 (2): 77-101. ISSN 1478-0887 Available from: http://eprints.uwe.ac.uk/11735.
- Clarke, V.; Braun, V. (2013), "Teaching thematic analysis: Overcoming challenges and developing strategies for effective learning", *The Psychologist*, 26 (2): 120-123. ISSN 0952-8229 Available from: http://eprints.uwe.ac.uk/21155.
- Cornia, G.A. (1999), *Globalization, Liberalization and Income distribution*, , Helsinki, WIDER (World Institute for Development Economics Research).
- Harvey, David (1985), *The urbanization of capital*. Oxford, UK: Blaclwell.
- Hourani, A. H.; Stern, S. M. (1970), *The Islamic city: A Colloquium*, Pennsylvania: University of Pennsylvania Press.
- Lapidus, Ira M. (1984), *Muslim Cities in the Later Middle Ages*, Cambridge and London: Cambridge University Press.
- Mestrovic, Stepan, G. (1989), "Durkheim Conceptualization of Politicl Anomie", *Research in Political Sociology*, No. 4: 1-26.

www.SID.ir